

یادگیری یک زبان جدید

آشنایی با یک فرهنگ جدید و در نهایت یک زندگی جدید است.

چگونه انگلیسی یاد بگیریم؟

تهیه و تنظیم: حسین اکبرپور

قبل از هر چیز؛ انگیزه

باید کمی زندگی تان را تغییر دهید. مثلاً با خودتان انگلیسی حرف بزنید و یا بعد از ظهرتان را به مطالعه دیکشنری و یا دفتر لغت تان اختصاص دهید. برای انجام این کارها، آنهم به طور منظم، باید از انجام این کارها لذت ببرید. اگر شما مانند بیشتر زبان‌آموزهای دیگر هستید و دوست ندارید این کارها را انجام دهید، پس باید روی انگیزه تان کار کنید.

واقعیت این است که اگر می‌خواهید به خوبی انگلیسی صحبت کنید، باید کمی زندگی روزمره تان را تغییر دهید. در اینجا چند نمونه از کارهایی که می‌توانید انجام دهید آورده شده است، کارهای دیگری که در جهت تمرین و یادگیری بهتر انگلیسی می‌توانید انجام دهید، به ذهن خلاق و مبتکر شما می‌سپاریم:

- هنگامیکه در خیابان مشغول قدم زدن هستید درباره آن چیزهایی که می‌بینید با خودتان به انگلیسی صحبت کنید.
- سعی کنید صحبت‌های روزمره خود که با افراد خانواده و اطرافتان دارید در ذهن خودتان به انگلیسی تکرار کنید، البته این موضوع شما را مجاب خواهد که جمله‌ها انگلیسی بسازید و به طبع بایستی لغات جدید یاد بگیرید. (این مورد و مورد بالا بسیار مهم هستند)
- می‌توانید یک متن به انگلیسی بنویسید و مرتباً از یک دیکشنری استفاده کنید و یا در اینترنت به جستجو بپردازید تا مطمئن شوید تمام کلمات به درستی به کار برده شده‌اند.

• می‌توانید روزی یک ساعت یک کتاب انگلیسی را مطالعه کنید و ساختارهای گرامری جملات را بررسی کرده و کلمات جدید را در یک دیکشنری جستجو کنید.

• می‌توانید به یک منبع شنیداری (مثلاً یک نوار کاست یا یک سی‌دی mp3 و...) گوش کنید و آن قسمت‌هایی که متوجه نمی‌شوید را آنقدر تکرار کنید تا آنچه گفته می‌شود را کاملاً درک کنید.

به نظر شما چه کسی می‌تواند این کارهای ظاهراً عجیب و غیرعادی را انجام دهد؟ فقط کسی که از انجام دادن آنها لذت می‌برد. اگر می‌خواهید به خوبی انگلیسی بیاموزید، بایستی به همین شکل عمل کنید. مشکل اینجاست که همه‌ی زبان‌آموزها می‌خواهند خیلی خوب به انگلیسی صحبت کنند، اما بیشتر آنها نمی‌خواهند برای فراگیری آن (در تنهایی) وقت صرف کنند. کمبود انگیزه باعث می‌شود که زبان‌آموز حاضر نشود از وقت آزاد خود برای فراگیری زبان استفاده کند و یا اگر هم وقت می‌گذارد، نمی‌تواند بطور پیوسته و منظم آن را ادامه دهد.

یک زبان‌آموز معمولی (فاقد انگیزه‌ی لازم) روز قبل از یک آزمون یا تست انگلیسی، ممکن است تا ۱۲ ساعت هم مطالعه کند، اما (برخلاف زبان‌آموزان با انگیزه) در روزهای بعد حاضر نخواهد بود روزی نیم ساعت هم به مطالعه‌ی یک کتاب انگلیسی بپردازد. از نظر او آموزش انگلیسی چندان لذت بخش نیست، بنابراین تنها زمانی که مجبور باشد به مطالعه می‌پردازد. مسئله اینست که تنها مطالعه‌ی مستمر و روزمره (حتی اگر کوتاه باشد) باعث پیشرفت سریع شما می‌شود. نتیجه‌ی حاصل از یک مطالعه‌ی سخت و بی‌تداوم (مثلاً دو روز کامل قبل از امتحان) مایوس

کننده است، چونکه ۹۰ درصد آنچه که یاد گرفته شده پس از حدود یک ماه فراموش می‌شود. تنها مرور کردن پیوسته‌ی چیزها باعث بخاطر سپردن آنها می‌شود و در غیر اینصورت شما آنها را فراموش خواهید کرد.

یک زبان‌آموز با انگیزه از فراگیری زبان لذت می‌برد و بنابراین وقت بیشتری روی آن می‌گذارد و آن را بطور منظم انجام می‌دهد. انگیزه‌ی بالا برای او امتیاز دیگری هم دارد و آن اینست که بخاطر سپردن کلمات و ساختارهای گرامری آسان‌تر می‌شود، زیرا مغز انسان اطلاعات مربوط به چیزهای مورد علاقه‌اش را به راحتی به خاطر می‌سپارد.

افزایش انگیزه برای آموختن زبان

در اینجا تکنیک‌هایی جهت افزایش انگیزه‌ی شما برای فراگیری یک زبان دیگر (در اینجا انگلیسی) ارائه می‌شود:

خودتان را در آینده مجسم کنید

تصور کنید که مثل زبان مادریتان می‌توانید با انگلیسی‌زبان‌ها هم صحبت کنید. تصور کنید که همه می‌خواهند مثل شما انگلیسی صحبت کنند. فکر کنید که دیگر می‌توانید به راحتی با افرادی از سرتاسر دنیا مکاتبه کنید. تصور کنید که وقتی آشنایان شما با مشکلی در زمینه‌ی زبان مواجه

می‌شوند، به شما مراجعه می‌کنند. این تصورات کمک می‌کنند تا انگیزه‌ی لازم برای فراگیری زبان در شما شکل بگیرد. باید بدانید که شما می‌توانید به خوبی زبان انگلیسی را بیاموزید و به آن مسلط شوید.

زبان شما هم‌اکنون خوب است ولی...

شما احتمالاً تا حدی به زبان انگلیسی مسلط هستید و این خود یک موفقیت بزرگ است! حالا باید به موفقیت‌های بزرگتری فکر کنید. وقت آن رسیده است که از روش‌های مؤثر و کارآمد برای رسیدن به سطح قابل قبولی از دانش انگلیسی استفاده کنید.

درست است که انگلیسی شما خوب است، ولی احتمالاً کامل نیست. شما احتمالاً هنوز نمی‌توانید فیلم‌های زبان اصلی را متوجه شوید، کتاب‌هایی به انگلیسی بخوانید، با انگلیسی‌زبانها به راحتی صحبت کنید و یا بدون اشتباه نامه بنویسید.

شما هرگز نباید تصور کنید که انگلیسی شما کامل شده است. حتی اگر بهترین دانش‌آموز کلاستان هستید، همیشه باید به دنبال یافتن نقاط ضعف خود باشید و روی آنها کار کنید. مثلاً در حال حاضر ممکن است در این زمینه‌ها مشکل داشته باشید: عدم تلفظ صحیح بعضی از کلمات، دایره‌ی لغت محدود، مشکلات گرامری یا مثلاً زمان حال کامل و جملات شرطی و....

هر کجا که می‌توانید از انگلیسی‌تان استفاده کنید

این یک نکته بسیار مهم است، هر چقدر بیشتر از انگلیسی‌تان استفاده کنید، بیشتر می‌خواهید که آن را یاد بگیرید.

زبان انگلیسی آنقدر متداول است که شما می‌توانید همه جا از آن استفاده کنید. مثلاً می‌توانید از موتور جستجوی گوگل برای یافتن اطلاعات مورد علاقه‌تان در سایتهای انگلیسی‌زبان بهره بگیرید، فیلمهای مستند زبان اصلی را تماشا کنید، کتابهایی به زبان انگلیسی بخوانید و....

با انجام این کارها شما نه تنها آموزش و تفریح را با هم ادغام کرده‌اید، بلکه وقتی می‌بینید که فراگیری یک یا چند کلمه به شما این امکان را می‌دهد که برنامه زبان اصلی مورد علاقه‌تان را متوجه شوید (یا بتوانید با دیگران مکاتبه کنید)، قطعاً خواستار فراگیری لغات بیشتری خواهید شد.

با دیگران راجع به زبان انگلیسی صحبت کنید

این یک روش ساده و در عین حال بسیار کارآمد است. شما معمولاً درباره‌ی چیزهایی صحبت می‌کنید که برایتان جالب باشد. اما برعکس آن هم درست است: اگر شما درباره‌ی یک موضوع خسته کننده صحبت کنید، کم‌کم به آن علاقمند خواهید شد.

تصور کنید که چیزی را مطالعه می‌کنید که از آن نفرت دارید. مثلاً فرض کنید با اینکه خسته و کسل هستید، مجبورید برای امتحان روز بعد خودتان را آماده کنید. شما دو گزینه پیش رو دارید: یا می‌توانید به دیگران بگویید که چقدر عذاب می‌کشید و یا می‌توانید با آنها درباره‌ی چیزهایی که یاد گرفته‌اید صحبت کنید. اگر گزینه‌ی اول را انتخاب کنید تنها اوضاع خودتان را بدتر می‌کنید.

اما اگر گزینه‌ی دوم را انتخاب کنید و درباره‌ی آن موضوع خسته کننده صحبت کنید، کم‌کم نظر شما درباره‌ی آن عوض می‌شود و به موضوعی تبدیل خواهد شد که ارزش حرف زدن درباره‌ی آن را داشته باشد – یعنی یک موضوع جالب.

و اما در مورد زبان انگلیسی: شما می‌توانید دوستانتان را با گفتن چند جمله‌ی انگلیسی غافلگیر کنید! یا مثلاً می‌توانید به آنها بگویید که امروز ۲۰ لغت جدید یاد گرفته‌اید. همیشه از پیشرفته‌یتان با آنها صحبت کنید. از آنها پرسید آیا معنی فلان کلمه را به انگلیسی می‌دانند؟ اگر کسی در نزدیکی شما نیست، می‌توانید به دوستانتان تلفن کنید و یا ایمیل بزنید.

احتمالاً این چیزها برای دوستان شما هیچ اهمیتی ندارد، تنها چیزی که مهم است این است که وقتی شما درباره‌ی «انگلیسی» صحبت می‌کنید، علاقه و اشتیاق شما نسبت به فراگیری آن بیشتر و بیشتر می‌شود.

دوستی پیدا کنید که به فراگیری انگلیسی مشغول باشد

اگر بتوانید دوستی پیدا کنید که مانند خود شما در حال فراگیری زبان انگلیسی و سطح معلوماتش نیز در حد شما باشد، در شرایطی بسیار ایده‌آل قرار خواهید گرفت، زیرا:

- کسی را خواهید داشت که بتواند درباره‌ی «انگلیسی» با او صحبت کنید. همانطور که در بالا گفتیم، این گفتگوها علاقه‌ی شما به فراگیری زبان را افزایش خواهد داد.
- فراگیری زبان برای شما آسان‌تر خواهد شد، زیرا در این صورت می‌توانید اشکال‌هایتان را با دوستان در میان بگذارید.
- بیشتر به مطالعه‌ی انگلیسی خواهید پرداخت، چون می‌خواهید از دوستان بهتر باشید (رقابت)

شما باید به طور منظم با دوستان در تماس باشید. او باید در نزدیکی شما زندگی کند و یا به همان مدرسه، دانشگاه، یا محل کار شما بیاید. اگر نمی‌توانید چنین دوستی پیدا کنید، می‌توانید کسی را از طریق ایمیل پیدا کنید (Pen-pal). البته یک دوست ایمیلی هرگز نمی‌تواند جای یک دوست واقعی را برای شما پر کند، زیرا رقابت با کسی که او را بخوبی نمی‌شناسید دشوار است و این نوع گفتگوها اغلب دوامی ندارند.

کمی پول خرج کنید!

اگر پولتان را صرف خرید چیزی بکنید، از آن استفاده خواهید کرد. به عنوان مثال اگر شما یک راکت گرانقیمت خریداری کنید، احتمالاً هر روز بیرون می‌روید و بدمینتون بازی می‌کنید.

این قاعده برای فراگیری زبان نیز صادق است. اگر می‌خواهید اشتیاقتان را برای فراگیری زبان بالا ببرید، می‌توانید (به عنوان مثال) یک دیکشنری نو، یک کتاب مصور به زبان انگلیسی و یا یک سی‌دی مولتی‌مدیای آموزشی خریداری کنید. این یک اصل ساده است: وقتی برای چیزی پول خرج می‌کنید، از آن استفاده خواهید کرد و بدین ترتیب سطح انگلیسی شما ارتقاء پیدا می‌کند. توصیه‌ی ما این است که دور و بر خودتان را با انواع کتاب، سی‌دی، نوار و دیگر امکانات سمعی و بصری پر کنید. بدین ترتیب همیشه از انگیزه‌ی لازم برای فراگیری زبان برخوردار خواهید بود.

تهیه یک دیکشنری خوب

یک دیکشنری خوب مهمترین چیزی است که برای فراگیری زبان انگلیسی مورد نیاز است. زبان آموزان موفق همیشه و به طور مرتب از دیکشنری هایشان استفاده می کنند و بدین ترتیب یاد می گیرند که چگونه از لغات تازه استفاده کنند.

چرا شما به یک دیکشنری خوب نیاز دارید؟

اگر شما یک دیکشنری خوب تهیه کنید، از بیشتر زبان آموزهای دیگر جلو زده اید! شاید این باور نکردنی به نظر بیاید، ولی بیشتر افراد برای خرید یک دیکشنری به یک کتابفروشی می روند و اولین دیکشنری را که ببینند خریداری می کنند. این یک اشتباه بزرگ است! یک دیکشنری بد دیر یا زود شما را با مشکل مواجه خواهد کرد و به هر ترتیب مجبور خواهید شد یک دیکشنری دیگر خریداری کنید. آیا این بهتر نیست که از ابتدا یک دیکشنری خوب تهیه کنید؟

خرید یک دیکشنری خوب بسیار مهم است، زیرا:

- یک دیکشنری خوب راهنمای شما در مسیر فراگیری زبان خواهد بود، چرا که به شما لغت های جدید، نحوه ی تلفظ صحیح واژه ها و چگونگی به کار بردن آنها را خواهد آموخت. زبان آموزان موفق از دیکشنری هایشان همیشه و بطور مرتب استفاده می کنند: هنگام مطالعه ی یک کتاب، در کلاس های زبان، هنگام نوشتن ایمیل، موقع انجام تکالیف، هنگام جستجو در اینترنت و

- این اولین، مهمترین و در عین حال آسان‌ترین گام شما در راه آموزش زبان انگلیسی است - برای خرید یک دیکشنری به پول زیادی احتیاج ندارید (بسیار کمتر از هزینه‌ی کلاس‌های زبان).
- خرید یک دیکشنری برای شما مقداری هزینه در بر خواهد داشت و این چیز خوبی است! وقتی شما در راه فراگیری زبان پول خرج می‌کنید، در واقع انگیزه‌تان را برای تداوم آن دو چندان می‌کنید.

یک دیکشنری خوب چه ویژگی‌هایی دارد؟

هنگامیکه صحبت از دیکشنری به میان می‌آید، افراد اغلب به یک دیکشنری دوزبانه، مثلاً انگلیسی به فارسی، فکر می‌کنند. اما باید بدانید که بهترین دیکشنری برای زبان‌آموزها، دیکشنری تک‌زبانه یا انگلیسی به انگلیسی است. البته منظور ما این نیست که نباید از دیکشنری انگلیسی به فارسی استفاده کنید، بلکه منظور این است که تأکید اصلی شما باید روی دیکشنری انگلیسی به انگلیسی باشد. در بخش بعدی در مورد نحوه‌ی استفاده از دیکشنری بیشتر توضیح خواهیم داد. اما در اینجا به بیان ویژگی‌های یک دیکشنری انگلیسی به انگلیسی می‌پردازیم.

در یک دیکشنری انگلیسی به انگلیسی کلمات ترجمه نشده‌اند، بلکه به زبان انگلیسی توضیح داده شده‌اند، بنابراین استفاده‌ی منظم از این نوع دیکشنری‌ها باعث می‌شود بطور خودکار گرامر و لغات را بخاطر بسپارید. آنها فایده‌ی دیگری هم برای شما

دارند و آن اینست که هنگامیکه یک لغت را در دیکشنری جستجو می‌کنید ممکن است با کلمات تازه‌تری هم مواجه شوید و بدین ترتیب در یک زمان چند لغت را فرا می‌گیرید.

بطور کلی یک دیکشنری خوب باید اطلاعات زیر را به شما برساند:

- توضیح معنی هر لغت به انگلیسی
- تلفظ صحیح لغت از طریق علائم فونتیک (ترجیحاً با روش IPA)
- نوع کلمه (صفت، فعل، قید، اسم و...)
- ویژگی‌های دستوری یا گرامری کلمه (مثلاً قسمتهای دوم و سوم فعل، قابل شمارش یا غیرقابل شمارش بودن یک اسم و...)
- ترتیب قرارگیری لغات (مثلاً **do homework** و نه **make homework**)
- جملات نمونه برای هر لغت
- کلمات هم معنی و متضاد (بعضی از لغات)

یک دیکشنری خوب علاوه بر اطلاعاتی که باید به شما برساند، باید از ویژگیهای زیر هم برخوردار باشد:

- توضیح معنی هر لغت باید نحوی به کار بردن هر لغت را برای شما بیان کند. بطور کلی تعاریف طولانی تر بهتر هستند، چونکه اطلاعات بیشتری را به شما انتقال می‌دهند.
- باید هر دو تلفظ آمریکایی و بریتانیایی را داشته باشد.
- متداول‌ترین اصطلاحات و افعال چند قسمتی آورده شده باشد.
- خوب است که از تصاویر نیز استفاده شده باشد. گاهی یک تصویر را می‌توانید بهتر از یک تعریف درک کنید.

چطور از دیکشنری استفاده کنیم؟

وقتی که یک لغت جدید را در دیکشنری تان جستجو می‌کنید، یک علامت تیک (✓) در کنار آن قرار دهید. در این صورت می‌توانید هر موقع که به صفحه‌ای «تیک‌دار» مراجعه می‌کنید، نگاهی سریع به کلمه‌ی مورد نظر بیندازید تا ببینید آیا می‌توانید معنی آن را بخاطر بیاورید. به این ترتیب لغات آموخته شده همیشه جلوی چشمان شما خواهند بود.

هنگامیکه در یک متن با لغت جدیدی روبرو می‌شوید، ابتدا سعی کنید معنی آن را از روی متن حدس بزنید، سپس به یک دیکشنری مراجعه کنید تا ببینید آیا حدس شما درست بوده است یا نه.

تنها به خواندن تعاریف اکتفا نکنید. جملات نمونه حتی از تعاریف هم مهمتر هستند، چونکه آنها به شما نشان می‌دهند که چگونه یک لغت (یا یک اصطلاح) به کار برده می‌شود و اغلب به شما کمک می‌کنند تا معنی یک کلمه را بهتر درک کرده و به خاطر بسپارید. گاهی اوقات توضیح معنی یک لغت آن قدر سخت و پیچیده به نظر می‌رسد که جملات نمونه تنها راه درک معنی آن است.

به خاطر داشته باشید که بسیاری از کلمات بیش از یک معنی دارند. اولین معنی در دیکشنری همیشه آن چیزی نیست که شما به دنبال آن هستید. شما باید معانی دیگر را هم از نظر بگذرانید تا مطمئن شوید کدام معنی به لغت مورد نظر شما نزدیک‌تر است.

از اشتباهات پرهیز کنید

چگونه تمرین می‌تواند به انگلیسی شما لطمه نزند؟

اگر از دیگران بپرسید: «چگونه می‌توانم یاد بگیرم که بهتر انگلیسی صحبت کنم؟»، بسیاری از آنها خواهند گفت: «تا می‌توانی انگلیسی حرف بزنی و بنویسی.» تمام کلاس‌های زبان پر از فعالیت‌هایی است که شامل صحبت کردن و نوشتن است. وقتی مربی‌تان از شما می‌خواهد که در کلاس به انگلیسی صحبت کنید و یا یک مطلب بنویسید، شما از خودتان جملات انگلیسی می‌سازید. گمان می‌رود که این نوع فعالیتها و تمرینها برای تقویت انگلیسی شما مفید باشند.

ما هم موافقیم که تمرین برای فراگیری صحیح زبان مفید و حتی لازم است. پس مشکل کجاست؟ مسئله این است که برای بسیاری از زبان‌آموزان، «صحبت کردن» یا «نوشتن» به معنی «بسیار اشتباه کردن» است. خیلی‌ها در هر جمله مرتکب حداقل یک اشتباه می‌شوند!

اگر شما اشتباهات زیادی مرتکب نمی‌شوید، می‌توانید به انگلیسی صحبت کنید یا بنویسید و این می‌تواند برای شما مفید باشد. ولی اگر اشتباهات شما زیاد باشد، هر موقع که چیزی می‌نویسید یا صحبت می‌کنید، اشتباهاتتان را نیز تقویت می‌کنید. زیرا همینطور که می‌نویسید یا صحبت می‌کنید، مرتباً اشتباهاتتان را نیز تکرار می‌کنید و بدین ترتیب عاداتهای غلط در شما قوی‌تر می‌شوند.

از اشتباه کردن دست بکشید!

گفتیم که برای فرا گرفتن زبان انگلیسی به تمرین نیاز دارید. در عین حال گفتیم که وقتی که شما تمرین می‌کنید، اشتباهاتتان را هم تقویت می‌کنید. اما چطور می‌توان با این پارادوکس کنار آمد؟!

راه حل آن ساده است: هرگز اشتباه نکنید!

اگر به تازگی شروع به آموختن زبان کرده‌اید و احساس می‌کنید که خیلی ضعف دارید و میزان اشتباهات شما زیاد است (بیشتر از یک اشتباه در هر ۳ جمله‌ای که می‌نویسید یا می‌گویید)، فعلاً نه چیزی بنویسید و نه چیزی بگویید. در عوض سعی کنید با گوش کردن و خواندن متون (ساده) انگلیسی، زبان خود را تقویت کنید (توجه داشته باشید که صحبت کردن، گرامر یا دایره‌ی لغت شما را تقویت نمی‌کند). بعد از مدتی که مهارت‌های لازم را فرا گرفتید می‌توانید کم‌کم اقدام به تمرین صحبت کردن یا نوشتن کنید، اما فقط باید از جملات مشابه جملاتی که می‌دانید درست هستند استفاده کنید (یا کپی کنید). در ابتدا باید فقط از جملات بسیار ساده، اما صحیح استفاده کنید و به مرور زمان که پیشرفت می‌کنید می‌توانید ساختارهای پیچیده‌تری را بکار ببرید. بدین ترتیب (با کپی کردن جملات صحیح) دیگر آموزه‌های غلط را در خودتان تقویت نمی‌کنید.

اشباهات در تلفظ

پیشتر گفتیم که چگونه صحبت کردن و نوشتن همراه با اشتباه می‌تواند به گرامر و دایره‌ی لغت شما آسیب وارد کند، اما باید توجه داشته باشید که همین اتفاق می‌تواند برای تلفظ شما هم روی دهد.

تصور کنید که دارید با کسی به انگلیسی صحبت می‌کنید. شما نمی‌دانید که چگونه یک لغت بخصوص را تلفظ کنید، بنابراین آن لغت را به شیوه‌ی خودتان - و البته بصورت نادرست - تلفظ می‌کنید. در دفعات بعد نیز آن لغت را باز به همین صورت تلفظ خواهید کرد و بدین ترتیب به تلفظ نادرست آن کلمه‌ی خاص عادت می‌کنید. (هنگام خواندن متون هم باز همین اتفاق می‌افتد، زیرا شما جملات را در ذهنتان تلفظ می‌کنید.)

به نظر ما، تلفظ باید اولین چیزی باشد که در فراگیری انگلیسی می‌آموزید. شما باید پیش از انجام هر کار دیگری، مخصوصاً قبل از اقدام به صحبت کردن، تلفظ اصوات انگلیسی را فرا بگیرید.

شما باید تلفظ صحیح هر کلمه‌ای را که می‌خواهید به زبان بیاورید، دقیقاً بدانید. توصیه‌ی اکید ما این است که هر زمان لغت جدیدی را یاد می‌گیرید، حتماً تلفظ صحیح آن را هم بیاموزید.

چگونه از ارتکاب اشتباه در انگلیسی پرهیز کنیم؟

زبان آموزان اغلب مرتکب اشتباه می‌شوند و با تکرار اشتباهات آنها را تقویت می‌کنند. برای پرهیز از این اشتباهات لازم است نکات زیر را همواره بخاطر داشته باشید:

۱- از زبان ساده استفاده کنید. بعضی از مبتدیان تلاش می‌کنند از جملات پیچیده (مثلاً با استفاده از زمان حال کامل یا جملات شرطی) در نوشتار یا گفتارشان استفاده کنند و بدین ترتیب همیشه مرتکب اشتباهات فاحشی می‌شوند. شما این کار را نکنید! اگر به تازگی شروع به نوشتن یا صحبت کردن به انگلیسی کرده‌اید بایستی آنچه را که می‌توانید بگویید (جملات ساده‌ای که بارها دیده‌اید) نه آنچه را که دوست دارید (جملات پیچیده).

۲- آهسته و با دقت عمل کنید. در ابتدا سعی کنید بسیار آهسته، ولی با دقت بنویسید. مثلاً شاید لازم باشد برای نوشتن ایمیل یا متنی با ده جمله‌ی صحیح دو ساعت وقت صرف کنید، زیرا باید جملاتتان را چندین بار مرور کنید تا اشتباهاتتان را پیدا کنید. همیشه از یک دیکشنری استفاده کنید تا مطمئن شوید کلمات را به درستی بکار برده‌اید. هنگام تایپ کردن هم حتماً از برنامه‌هایی مانند **Microsoft Word** استفاده کنید تا به بسیاری از اشتباهات املایی و دستوری خود پی ببرید.

در برنامه‌ی **Microsoft Word** اشتباهات املایی با خطوط زیگزاگ قرمز رنگ نشان داده می‌شوند. کافی است روی کلمه مورد نظر راست کلیک کرده و از منوی ظاهر شده، کلمه‌ی مورد نظر را انتخاب کنید.

هنگام حرف زدن عجله نکنید و شمرده صحبت کنید. بهتر است قبل از ادای یک جمله، آن را در ذهنتان مرور کنید.

۳- اگر مطمئن نیستید که چطور باید چیزی را بگویید، اصلاً آن را نگویید. اگر نمی‌توانید چیزی را به درستی بگویید، تقریباً همیشه بهتر است که اصلاً آن را نگویید. شما که نمی‌خواهید عاداتهای غلط را در خودتان تقویت کنید. شما می‌توانید عبارت یا جمله‌ی صحیح را در یک دیکشنری (در قسمت جملات نمونه) و یا در اینترنت جستجو کنید. اما هنگام صحبت کردن شما فرصت کافی برای انجام این کارها را ندارید، بنابراین بهتر است که چیز دیگری بگویید – چیزی که مطمئن هستید درست است.

۴- هنگام نوشتن همیشه جستجو کنید. هر موقع که مطمئن نبودید که چطور از یک لغت استفاده کنید، آن را در یک دیکشنری خوب جستجو کنید تا جملات نمونه‌ی مرتبط با آن را بیابید. اگر چیزی نوشتید و از درست بودن آن مطمئن نبودید، می‌توانید در اینترنت با استفاده از یک موتور جستجو (مثلاً گوگل) آن را جستجو کنید. اگر شمار زیادی از صفحات، عبارت یا جمله‌ی شما را در

بر داشتند. در این صورت (به احتمال خیلی زیاد) جمله یا عبارت شما درست است. دیکشنریها و موتورهای جستجو بایستی بطور روزمره مورد استفاده‌ی زبان‌آموزان قرار بگیرند، مخصوصاً اگر به تازگی نوشتن را آغاز کرده باشند.

۵- به تفاوت‌های بین انگلیسی و زبان مادریتان توجه کنید. گاهی اوقات زبان‌آموزان حتی متوجه نیستند که چقدر زبان انگلیسی با زبان مادریشان متفاوت است. آنها موقع صحبت کردن کلمات را به صورت لفظ به لفظ از زبان اصلی‌شان ترجمه می‌کنند و گمان می‌کنند که جملاتشان صحیح هستند.

همیشه سعی کنید هنگام گوش کردن یا خواندن متون انگلیسی به چیزهایی مانند ترتیب لغات، حروف تعریف، حروف اضافه و زمان افعال دقت کنید. جملات انگلیسی را با معادلهای آنها در زبان اصلی‌تان مقایسه کنید و به تفاوت‌های موجود در کلمات و ترتیب آنها دقت کنید.

خیلی زود اقدام به صحبت کردن یا نوشتن نکنید

اگر به نکاتی که در بالا بدان اشاره شد کاملاً توجه می‌کنید و همچنان موقع صحبت کردن مرتکب اشتباهات زیادی می‌شوید (بیش از ۱ اشتباه در هر ۳ جمله)، باید برای مدتی فقط به نوشتن بپردازید. به نکات زیر توجه کنید:

۱- اول بنویسید، بعد صحبت کنید. نوشتن از صحبت کردن آسانتر است، زیرا: (۱) لازم نیست تلفظ خوبی داشته باشید (اما لازم است املاي شما خوب باشد)، (۲) می‌توانید خیلی آهسته بنویسید، (۳) می‌توانید از دیکشنری، اینترنت و... بهره بگیرید. بنابراین، این فکر بسیار خوبی است که ابتدا به تمرین نوشتن بپردازید تا مهارت لازم برای ساختن جملات صحیح هنگام صحبت کردن را پیدا کنید.

۲- تا نحوه‌ی تلفظ اصوات انگلیسی را نیاموخته‌اید، اقدام به صحبت کردن نکنید. شما باید قبل از اینکه اقدام به صحبت کردن کنید بتوانید همی حروف صدا دار و بی‌صدا را بطور واضح تلفظ کنید. در غیر این صورت ممکن است تلفظ‌های نادرست در ذهنتان ماندگار شوند.

۳- اگر تلفظ صحیح کلمه‌ای را نمی‌دانید، اصلاً آن را ادا نکنید. شما باید تلفظ صحیح همی کلماتی را که به کار می‌برید، بدانید. در غیر این صورت به خودتان آموزش غلط خواهید داد و همیشه آن کلمه را اشتباه تلفظ خواهید کرد.

اگر حتی زمانی که آرام و با دقت می‌نویسید (همانطور که در بالا شرح داده شد) باز هم مرتکب اشتباهات زیادی می‌شوید (بیش از ۱ اشتباه در هر ۳ جمله)، شما احتمالاً باید مدتی دست از نوشتن بردارید و به جای آن روی شنیدن و خواندن تمرکز کنید.

به خاطر داشته باشید که در ابتدا باید حجم زیادی از جملات انگلیسی را در ذهنتان وارد کنید و بعد به ساختن جملات خودتان اقدام کنید. فعالیت اصلی شما باید شامل خواندن و شنیدن باشد. هر چقدر مغز شما جملات بیشتری را جذب کند، به همان نسبت توانایی آن برای بیان جملات انگلیسی بیشتر می‌شود.

چرا فراگیری تلفظ برای زبان آموزان الزامیست؟

اولین تأثیر گذاری

وقتی که به انگلیسی صحبت می‌کنید، تلفظ شما قطعاً اولین (و مهمترین) چیزی است که افراد به آن توجه می‌کنند (و نه ساختارهای گرامری و لغاتی که بکار می‌برید).

هنگامی که با کسی ملاقات می‌کنید و یکی دو جمله‌ی انگلیسی به زبان می‌آورید، فکر می‌کنید که او بیشتر به چه چیزی توجه می‌کند؟ به لغاتی که به کار برده‌اید و یا به ساختارهای گرامری آن؟ احتمالاً هیچکدام. او بیشتر به تلفظ شما دقت خواهد کرد. اگر نحوه‌ی تلفظ شما بد باشد، او فوراً پیش خود فکر خواهد کرد که شما چقدر بد صحبت می‌کنید. تلفظ شما اولین تأثیر گذاری روی افراد محسوب می‌شود.

گفتگو

تلفظ خوب بایستی یکی از اولین مواردی باشد که در فرآیند آموزش انگلیسی بدان می‌پردازید. شما بدون استفاده از لغات پیشرفته هم می‌توانید به سر ببرید - می‌توانید از لغات ساده برای بیان جملاتتان استفاده کنید. بدون گرامر پیشرفته هم می‌توانید به سر ببرید - می‌توانید بجای آن از ساختارهای گرامری ساده استفاده کنید. اما چیزی به نام «تلفظ ساده» وجود ندارد.

نتایج تلفظ بد بسیار ناگوار است. حتی اگر موقع صحبت کردن از لغات و گرامر پیشرفته استفاده کنید، دیگران متوجه آنچه که می‌خواهید بگویند نمی‌شوند.

آیا واقعاً می‌توانید به انگلیسی با دیگران گفتگو کنید؟

تقریباً همه‌ی زبان‌آموزان می‌گویند: «من نیازی به یادگیری تلفظ ندارم، من فقط می‌خواهم که بتوانم انگلیسی صحبت کنم.» بسیاری از آنها گمان می‌کنند که می‌توانند به راحتی به انگلیسی صحبت کنند، چونکه آنها می‌توانند با معلمشان و زبان‌آموزان دیگر صحبت کنند.

اشتباه نکنید! باید به خاطر داشته باشید که:

- معلم شما سالها به شنیدن انگلیسی بد عادت کرده است. او بهتر از بقیه‌ی افراد می‌تواند آنچه می‌گویید را درک کند.
- اغلب همکلاسیها و زبان‌آموزان دیگر مانند شما صحبت می‌کنند و همان اشتباهات شما را مرتکب می‌شوند. بنابراین درک آنچه می‌گویید برای آنها راحت است.

بهترین راه برای اینکه مطمئن شوید که می‌توانید بخوبی انگلیسی صحبت کنید این است که با یک انگلیسی‌زبان صحبت کنید. اگر او متوجه شد که چه می‌گویید، تازه آن وقت است که می‌توانید ادعا کنید که خوب حرف می‌زنید.

متأسفانه بسیاری از زبان‌آموزان تلفظ را نادیده می‌گیرند. آنها وقتی می‌بینند که می‌توانند به راحتی در کلاسهای زبان گفتگو کنند، گمان می‌کنند که واقعاً خوب حرف می‌زنند. اما اگر روزی پیش بیاید که بتوانند با یک انگلیسی‌زبان صحبت کنند، می‌بینند که او متوجه حرف‌های او نمی‌شود. تازه آن وقت است که متوجه می‌شوند چقدر تلفظشان بد است.

مکالمه به تنهایی کافی نیست

اگر می‌توانید با افراد انگلیسی‌زبان به راحتی گفتگو کنید، باید به شما تبریک گفت! این یک موفقیت بزرگ برای شما محسوب می‌شود. اما این کافی نیست. حتی اگر انگلیسی‌زبان‌ها متوجه صحبت‌های شما شوند، این بدین معنی نیست که شما اصلاً لهجه‌ی خارجی ندارید. اگر شما لهجه‌ی غلیظی داشته باشید هیچ کس نخواهد گفت که شما خوب انگلیسی صحبت می‌کنید.

اگر شما روی تلفظ‌تان کار کنید سرانجام خواهید توانست به خوبی صحبت کنید. به عنوان مثال شما می‌توانید اصوات انگلیسی را بیاموزید، به قطعه‌های ضبط شده گوش دهید، فیلمهای زبان اصلی تماشا کنید و... کاری که بیشتر زبان‌آموزها انجام نمی‌دهند.

چگونه تلفظ انگلیسی را فرا بگیریم؟

۱- اصوات انگلیسی را بیاموزید

در زبان انگلیسی اصواتی وجود دارند که در کمتر زبانی یافت می‌شوند. بعنوان مثال اولین صوت موجود در لغت **thin** یا اولین صوت در لغت **away** به ندرت در زبانهای دیگر شنیده می‌شوند.

بنابراین شما باید:

۱- همه‌ی اصوات انگلیسی را بشناسید.

۲- دقت کنید که آنها چگونه در کلمات و جملات واقعی به گوش می‌رسند.

۳- برای تمرین به کلمات و جملات انگلیسی خوب گوش کنید و بعد آنها را حتی الامکان صحیح تلفظ کنید.

این که شما وقت زیادی را صرف تمرین کنید خیلی اهمیت ندارد؛ مهم این است که به طور مرتب تمرین کنید. یک تمرین خوب این است که موقعی که به چیزی گوش می‌دهید (مثلاً یک فیلم زبان اصلی) سعی کنید کلماتی را که می‌شنوید تکرار کنید. همچنین می‌توانید

هنگامی که تنها هستید و وقتتان آزاد است چند کلمه‌ی انگلیسی را انتخاب کرده و آنها را با صدای بلند تلفظ کنید. وقتی که زبان شما به اصوات جدید عادت پیدا کرد، دیگر آنها به نظر شما دشوار نخواهند آمد.

یک تکنیک جالب و مفید این است که صدایان را ضبط کنید و آنرا با تلفظ صحیح مقایسه کنید. بدین ترتیب می‌فهمید که در کجا تلفظ شما با تلفظ اصلی آن تفاوت دارد و می‌توانید به تدریج آن را اصلاح کنید.

۲- تلفظ کلمات انگلیسی را یاد بگیرید

با نگاه کردن به یک لغت انگلیسی شما نمی‌توانید به تلفظ آن پی ببرید. مثلاً دو کلمه‌ی **do** و **no** را در نظر بگیرید. با آنکه هر دوی آنها به حرف **o** ختم می‌شوند، اما تلفظ آنها کاملاً با هم تفاوت دارد. (حرف **o** در یکی صدای او می‌دهد و در دیگری صدای **u**). این بدین معناست که شما باید تلفظ هر کلمه‌ای که قصد استفاده از آن را دارید را یاد بگیرید.

اما چطور می‌توان تلفظ یک لغت انگلیسی را یاد گرفت؟ شما باید آن کلمه را در یک دیکشنری جستجو کنید. در یک دیکشنری خوب تلفظ همه‌ی کلمات با یک سیستم مخصوص که علائم فونتیکی نامیده می‌شوند، نشان داده می‌شوند.

۳- یکی از دو تلفظ آمریکایی یا بریتانیایی (با هر دو) را انتخاب کنید

زبان انگلیسی انواع گوناگونی دارد که هر کدام تلفظ یا لهجی مخصوص به خود را دارد، اما در عمل شما تنها دو انتخاب پیش رو دارید: انگلیسی بریتانیایی و انگلیسی آمریکایی، زیرا اینها از بین انواع زبان انگلیسی از همه متداول تر هستند. شما می‌توانید یکی از این دو نوع را انتخاب کنید. شما همچنین می‌توانید هر دو نوع آمریکایی و بریتانیایی را با هم فرا بگیرید. این بستگی به خود شما دارد.

۴- با هر دو نوع تلفظ آمریکایی و بریتانیایی آشنا باشید

شما حتی اگر تنها یک نوع از تلفظ‌های آمریکایی یا بریتانیایی را انتخاب کرده باشید، باید با هر دوی آنها آشنایی داشته باشید. فرض کنید که شما تصمیم گرفته‌اید فقط با لهجی اصیل بریتانیایی صحبت کنید و اصلاً نمی‌خواهید که لهجی آمریکایی داشته باشید؛ با این وجود لازم است که با تلفظ آمریکایی هم آشنا باشید و هنگام جستجو در دیکشنری به تلفظ آمریکایی لغت مورد نظر هم توجه داشته باشید، زیرا شما دیر یا زود مجبور خواهید بود کمی هم به انگلیسی آمریکایی گوش دهید. مثلاً شاید بخواهید یک فیلم آمریکایی تماشا کنید و یا شاید یک مریی داشته باشید که تنها به لهجی آمریکایی مسلط باشد. بنابراین لازم است که هر دو انگلیسی آمریکایی و بریتانیایی را با هم یاد بگیرید.

ورودی - وارد کردن انگلیسی در ذهن

ورودی چیست؟

بطور خلاصه می توان گفت ورودی یعنی «جملاتی که شما آنها را می خوانید یا می شنوید». ورودی برعکس خروجی است، که به معنای «ساختن جملات هنگام نوشتن یا صحبت کردن» است.

مدل فراگیری زبان

ایا تا کنون به این نکته دقت کرده اید که چگونه می توانید اینقدر راحت به زبان مادریتان صحبت کنید؟ وقتی می خواهید چیزی بگویید جملات و عبارتهای صحیح خودبخود در زبان شما جاری می شود. بخش اعظم این فرآیند نا آگاهانه است: چیزی خودبخود در ذهن شما پدیدار می شود، حال شما اگر مایل بودید می توانید آن را به زبان بیاورید. مدل زیر نشان می دهد که چگونه چنین چیزی ممکن است:

۱- شما ورودی کسب می کنید - یعنی جمله ای را می خوانید یا می شنوید. اگر معنی این جملات را فهمیدید، آنها در حافظه شما ذخیره می شوند.

۲- وقتی که شما می‌خواهید چیزی بگویید یا بنویسید (وقتی که می‌خواهید خروجی بسازید یا تولید کنید)، مغز شما به دنبال جمله‌ای که قبلاً خوانده یا شنیده‌اید می‌گردد - جمله‌ای که با معنی آنچه که می‌خواهید بیان کنید جور در بیاید. سپس آن جمله را تقلید می‌کند (همان جمله یا مشابه آن را می‌سازد) و در نهایت شما جمله‌ی «خودتان» را می‌گویید. این فرآیند ناآگاهانه است، یعنی مغز شما آن را خودیخود انجام می‌دهد.

این مدل بسیار ساده است. مغز شما واقعاً به دنبال جملات کامل نمی‌گردد، بلکه تنها به بخشها یا اجزایی از جملات نیاز دارد و می‌تواند با استفاده از این اجزا جملاتی بسیار پیچیده و طولانی بسازد. بنابراین مغز شما از چندین جمله (که قبلاً شنیده و بخاطر سپرده) برای ساختن جمله‌ی اصلی استفاده می‌کند.

به عنوان مثال فرض کنید شما قبلاً این جمله را شنیده باشید: «یک گریه زیر میز است». مغز شما به سادگی می‌تواند جملات مشابهی مانند «یک کتاب زیر میز است» یا «یک مداد زیر صندلی است» را بسازد. زیرا مغز شما قبلاً با کلمات کتاب، مداد و صندلی آشنا بوده است و به سادگی توانسته است آنها را جایگزین کند. همچنین مغز شما می‌تواند با استفاده از کلمات بیشتری جمله‌ی اولیه را تغییر دهد، مثلاً «یک گریه‌ی سیاه بزرگ زیر میز من است».

بنابراین هر چقدر جملات بیشتری در اختیار مغز قرار بگیرد (ورودی)، به همان نسبت مغز شما می‌تواند جملات پیچیده‌تر، طولانی‌تر و بیشتری بسازد یا تولید کند (خروجی).

مدل فراگیری زبان که در بالا توضیح داده شد، «فرضیه‌ی ادراک» (یا «فرضیه‌ی ورودی») نامیده می‌شود که توسط پروفسور استیفن کراشن (از دانشگاه کالیفرنیا جنوبی) ارائه شده است. این مدل فرآیند یادگیری زبان اصلی (مادری) توسط یک کودک را بیان می‌کند. یک کودک به صحبت‌های والدین و افراد دیگر گوش می‌کند. مغز او جملات را دریافت و جمع‌آوری می‌کند و روز به روز در تولید یا ساخت جملات خودش ماهرتر می‌شود و تا سن ۵ سالگی دیگر می‌تواند نسبتاً روان صحبت کند.

اما همین مدل برای فراگیری یک زبان خارجی هم مصداق دارد. در واقع ما فکر می‌کنیم که این تنها راه صحیح فراگیری یک زبان می‌باشد.

این مدل چه اهمیتی برای زبان آموزها دارد؟

اینجا آنچه که از نظر فراگیری یک زبان خارجی در این مدل اهمیت دارد، بیان می‌شود:

- مغز انسان جملات را بر اساس جملاتی که قبلاً دیده یا شنیده است (ورودی)، می‌سازد. بنابراین برای پیشرفت شما در فراگیری یک زبان خارجی لازم است که مغزتان را با حجم زیادی از ورودی پر کنید. این ورودی بایستی جملات صحیح و قابل درک برای شما باشد. قبل از اینکه بتوانید به یک زبان خارجی صحبت کنید یا بنویسید، مغز شما باید به اندازه‌ی کافی جملات صحیح در آن زبان را دریافت کرده باشد.

- خروجی (تمرین نوشتن و صحبت کردن) از اهمیت کمتری برخوردار است. زیرا به این طریق نمی‌توانید مهارت‌های زیانتان را افزایش دهید. در واقع باید بخاطر داشته باشید که شما ممکن است انگلیسی‌تان را با خروجی زود هنگام و کم دقت تخریب کنید. همچنین این امکان‌پذیر است که مهارت‌های خروجی خوبی را بدون تمرین خروجی (نوشتن و صحبت کردن) کسب کنید.
- شما خیلی هم به قواعد گرامری نیاز ندارید. شما زبان مادری‌تان را بدون مطالعه‌ی دستور زبان فرا گرفتید. بنابراین شما می‌توانید به همین طریق یک زبان خارجی را هم بیاموزید. (البته این اصلاً به این معنی نیست که نباید گرامر آموخت. مطالعه‌ی گرامر در جای خود می‌تواند بسیار سودمند باشد. منظور ما این است که باید به ورودی اهمیت بیشتری نسبت به گرامر قائل شد.)

چگونه «ورودی» می‌تواند وضعیت انگلیسی‌تان را دگرگون کند؟

اگر شما چند کتاب انگلیسی بخوانید خواهید دید انگلیسی شما بهتر شده است و از لغات و قواعد دستوری جدید در نوشته‌ها و ایمیل‌هایتان استفاده خواهید کرد. هنگام نوشتن و صحبت کردن خواهید دید که عبارت‌های انگلیسی خود بخود در ذهن و زبان شما جاری خواهد شد و شما را شگفت‌زده خواهد کرد!

استفاده از زبان انگلیسی برای شما آسان خواهد بود، زیرا مغز شما به آسانی چیزهایی را تکرار می‌کند که بارها و بارها دیده است. با خواندن تنها یک کتاب انگلیسی هزاران جمله‌ی انگلیسی به مغزتان وارد خواهید کرد و این جملات دیگر بخشی از وجود شما خواهند بود.

شما قطعاً در امتحان بعدیتان متوجه خواهید شد که زیانتان تقویت شده است. مثلاً در پرسشهای چند گزینه‌ای «احساس» خواهید کرد که کدام گزینه صحیح است. شما ممکن است دقیقاً ندانید که «چرا» آن گزینه صحیح است، اما می‌دانید که صحیح است. شما آن را می‌دانید چونکه بارها و بارها آن را خوانده‌اید.

اصلاً آیا می‌دانید فرق بین یک زبان‌آموز و یک انگلیسی‌زبان (بومی) چیست؟ یک انگلیسی‌زبان «احساس» می‌کند که چه چیزی صحیح است. او می‌تواند بدون اینکه به قواعد گرامری توجه کند، بگوید که یک جمله به نظر درست می‌آید یا غلط.

این کار برای او آسان است، چونکه در طول زندگی‌ش شمار بسیار زیادی جمله‌ی انگلیسی شنیده و خوانده است. در واقع تنها تفاوت بین یک زبان‌آموز و یک انگلیسی‌زبان «حجم ورودی» است. شما هم می‌توانید مانند یک انگلیسی‌زبان باشید، به شرط اینکه بتوانید حجم زیادی از ورودی را در ذهنتان وارد کنید.

چرا باید ورودی شما جالب و سرگرم‌کننده باشد؟

استمرار مطالعه

خواندن یک کتاب یا متن خسته‌کننده برای یادگیری زبان انگلیسی نمی‌تواند فکر خوبی باشد. شما با انجام این کار تنها یک متن خسته‌کننده نمی‌خوانید، بلکه متنی می‌خوانید که درک آن سخت است. هیچ‌کس نمی‌تواند به مدت طولانی این شکنجه (!) را تحمل کند. اگر شما از انگیزه‌ی بالایی هم برخوردار باشید، شاید بتوانید به مدت چند روز این کار را ادامه دهید، ولی قطعاً نخواهید توانست این کار را به مدت طولانی (مثلاً یک ماه) ادامه دهید.

شما قطعاً نمی‌خواهید که تنها بعد از چند روز مطالعه‌تان را متوقف کنید، چونکه می‌دانید مطالعه‌ی کوتاه مدت و ناپیوسته بی‌فایده خواهد بود.

به همین دلیل شما به منابع فوق‌العاده جالب و سرگرم‌کننده نیاز دارید. این منابع باید به گونه‌ای باشند که شما برای خواندن، دیدن یا شنیدن آن لحظه‌شماری کنید. بدین ترتیب قادر خواهید بود بطور پیوسته به فراگیری انگلیسی‌تان ادامه دهید و شاهد پیشرفت روزافزون خود باشید. به خاطر داشته باشید که تنها مطالعه‌ی پیوسته و مستمر می‌تواند پیشرفت شما را تضمین کند.

نگرش شما نسبت به زبان

ورودی جالب و سرگرم‌کننده به شما کمک می‌کند که نگرش خود را نسبت به زبان (انگلیسی) عوض کنید. در ابتدا ممکن است فراگیری زبان برای شما لازم، اما خسته‌کننده به نظر بیاید؛ چیزی مانند هر روز صبح زود بیدار شدن و به سر کار رفتن. اما اگر شما منابع جالب و لذت‌بخشی در زمینه‌ی آموزش زبان پیدا کنید (مانند کتابها، فیلمها و وبسایت‌های آموزشی یا انگلیسی‌زبان)، دیگر فراگیری زبان برای شما تبدیل به یک سرگرمی روزمره خواهد شد.

وقتی چنین اتفاقی بیفتد، مطالعه‌ی انگلیسی را آسان خواهید یافت، حتی زمانیکه منابعی را مطالعه می‌کنید که دیگر خیلی جالب نیستند، مانند گرامر.

اگر شما یک مبتدی باشید چطور؟

اگر شما مبتدی هستید، قطعاً دایره‌ی لغت شما محدود است. در این صورت خواندن کتابها یا تماشای فیلمهای زبان اصلی برای شما بسیار دشوار خواهد بود. همچنین حجم بالای لغاتی که نمی‌شناسید، لذت بردن از آن را برای شما غیرممکن می‌سازد، حتی اگر مضمون آن برای شما جذابیت زیادی داشته باشد.

حال که شما مبتدی هستید، چطور می‌توانید از فواید ورودی جذاب بهره ببرید؟ راه حل آن ساده است: «کتابها و دیگر منابع ساده شده». اینها منابعی هستند که به زبان ساده بیان شده‌اند و در واقع مخصوص زبان‌آموزها هستند. یکی از این منابع که شهرت جهانی دارد **Penguin Readers** است که دربرگیرنده‌ی یک سری داستانهای ساده‌شده براساس داستانهای معروف و عناوین فیلمها می‌باشد. (البته باید توجه داشته باشید که این کتابها در شش سطح از مبتدی تا پیشرفته در دسترس می‌باشند و شما باید با توجه به سطح خود به انتخاب آنها بپردازید.)

چرا نباید انگلیسی را بر اساس قواعد دستوری بیاموزید؟

یادگیری بر اساس قواعد دستوری (گرامری) دو نقطه ضعف عمده دارد:

- به خاطر سپردن یک قاعده‌ی دستوری مشکل است. این فرایند بسیار مصنوعی است؛ درست مثل به خاطر سپردن یک شعر است. این بسیار راحت‌تر است که چند جمله‌ی نمونه بخوانید و بقیه‌ی کارها را به عهده‌ی مغز خود بگذارید.
- به کار بردن یک قاعده‌ی گرامری بسیار وقت‌گیر است. شما اول باید آن را به خاطر بسپارید، سپس باید ببینید آیا آن می‌تواند در جمله‌ی شما به کار برده شود و در نهایت جمله‌تان را بر اساس آن قاعده می‌سازید. ساختن یک جمله بر اساس قواعد دستوری مانند حل کردن یک معادله‌ی ریاضی است. اگر شما اغلب از قواعد دستوری برای نوشتن و صحبت کردن استفاده کنید، نمی‌توانید این کارها را روان و راحت انجام دهید.

آیا قواعد دستوری می‌توانند مفید باشند؟

صد البته که می‌توانند مفید باشند. در واقع گرامر به شما کمک می‌کند تا یک زبان را بطور مؤثرتر و سریعتر بیاموزید. با آموختن گرامر یا دستور یک زبان می‌توانید خیلی چیزها را خودتان درک کنید، بدون اینکه مجبور باشید از کسی پرسید یا در یک کتاب جستجو کنید.

اینکه گفته می‌شود «یک زبان را نباید بر اساس قواعد گرامری آموخت» منظور این نیست که نباید گرامر یاد گرفت، بلکه منظور این است که تأکید اصلی شما باید بر روی ورودی باشد و نه گرامر. در واقع شما باید یک زبان را بر اساس ورودی فرا بگیرید و در این میان مطالعه‌ی گرامر می‌تواند دوست خوب شما در این مسیر باشد.

همچنین بسیاری از قواعد گرامری آنقدر کمیاب هستند که کمتر در ورودی شما یافت می‌شوند (مثلاً زمان آینده‌ی کامل)، بنابراین بهترین راه فراگیری این دسته از قواعد مراجعه به کتابهای آموزش گرامر می‌باشد.

آنچه در کلاسهای زبان اتفاق می‌افتد

ترتیب پیشنهادی ما برای فراگیری یک زبان خارجی عبارتست از: ۱- تلفظ ۲- ورودی (خواندن و شنیدن) ۳- نوشتن ۴- صحبت کردن. متأسفانه در کلاسهای زبان کاملاً برعکس عمل می‌شود. تقریباً در هیچیک از دوره‌های آموزش زبان در ابتدای کار به شما تلفظ آموزش داده نمی‌شود. در عوض شما را مجبور به صحبت کردن و نوشتن می‌کنند، مثلاً به انگلیسی از شما سؤال می‌کنند یا از شما می‌خواهند یک مطلب به انگلیسی بنویسید. بدین ترتیب آنها شما را مجبور به اشتباه کردن می‌کنند.

با امید کاسمانی و پیروزی شما.

تہیہ و تنظیم: حسین اکبر پور